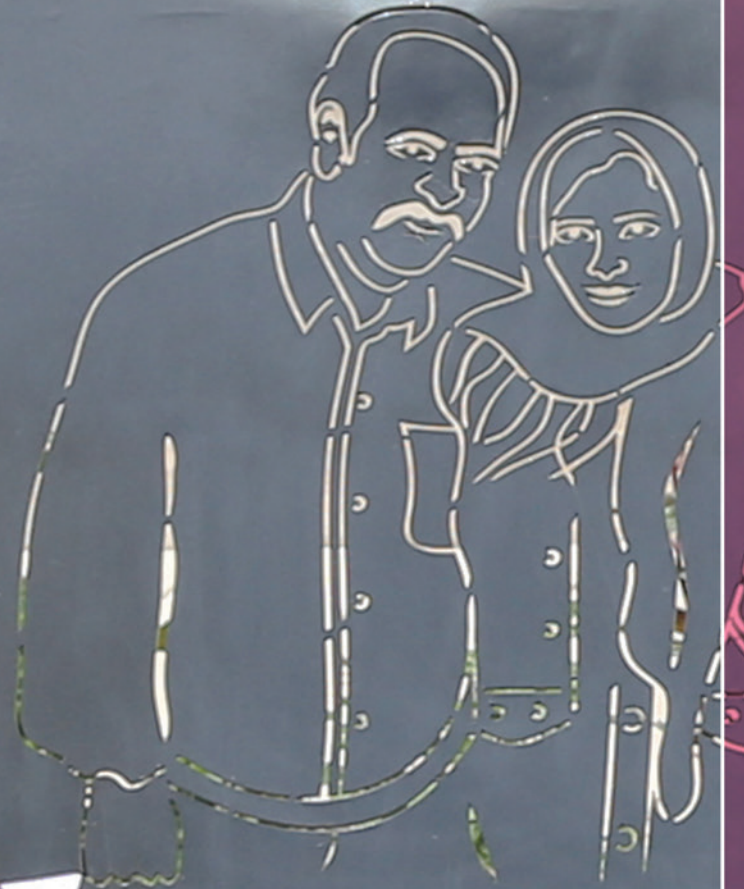


ویرہ نامرنگو دانت
سرکار خانم
دکتر مسوئی مقیمی





پیام مدیرعامل

خواهرم، سرکار خانم فرهیخته و مخلص، دکتر مقیمی عزیز؛ شما کوله باری از خورشید و دستانی پر از اطلسی را به ما هدیه دادید و برای بیماران دردمند عطر خوش سلامتی را به ارمغان آوردید. روح و جسمتان را مخلصانه در طبق اخلاص گذاشته و به مهرانه و بیمار بدون هیچ چشم‌داشتی تقدیم کردید. در هوای غبارگرفته‌ی ناامیدی، عاشقانه بذر امید کاشتید و در گذر از شهرها و روستاهای دور و نزدیک زنجان و دیگر استان‌ها، آرزوهای بیماران را چه مهربانانه با گوش جان شنیدید و آرامش و اطمینان، شادی، رفاه، پیشرفت و امید به زندگی را برای آنها به ارمغان آوردید.

در تمام این مسیر سخت و پر از سنگلاخ اما زیبا و دلفریب در کنار اشک شوق و بغض، چه توانمند نقش‌آفرینی کردید. صداقت شما و همت بلندتان برق چشمانمان بود و آموختیم از شما عشق ورزیدن به هم نوع را. آموختیم از شما چگونه می‌شود در عین داشتن مدارج علمی بالا، دل بزرگ داشت و در نیمه‌های شب با یک زنگ تلفن همدم بیمار بود تا سنگینی درد از دوش بیمار کاسته شود. آموختیم از شما چگونه می‌شود دنیا دنیا صداقت داشت و خدا را شاکریم که شما را داشتیم و داریم.

دوست دیرینه ام، تاریکی‌های تحمیلی به اندازه سر سوزنی از ابهت و روشنایی مهرانه کم نکرد و نخواهد کرد و این که آفریننده این تاریکی‌ها چه کسانی بودند، مهم نیست. مهم آن است که نمی‌توانند خورشید را کم نور و کم سو نمایند. چرا که توکل، عشق و امید، ستون و خمیرمایه‌ی این خیریه مقدس را می‌سازند.

با خودم می‌گویم باید به خودمان فرصت بدهیم و بدانیم در قبال جامعه دردمند بیماران و از همه مهم‌تر در مقابل حمایت خرد و کلان خیرین، مسئولیم. باور کنیم که باید از تمامیت

حمایت مردمی مهرانه، با گوشت و پوستمان صیانت کنیم.

دکتر مقیمی عزیز؛

بی‌شک بیماران از دستان توانمند شما سلامتی به دست آوردند و خیرین مهرانه از صداقت و اخلاص شما تلاش آموختند. اطمینان دارم که اثر ماندگار شما در جای جای ایران و مهرانه همواره همچون چراغی فروزان، شاه‌بیت افتخاراتمان خواهد بود و اطمینان داشته باشید که امانتتان را پاس خواهیم داشت و تا توان داریم نخواهیم گذاشت که میراث جاودان مهرانه به دست نامحرمان بیفتد.

بی‌شک تاریخ زنجان نام و مرام شما را هرگز فراموش نخواهد کرد و نام بلندتان بر لوح زرین فرهیختگان زنجان خواهد درخشید.

مدیرعامل مهرانه - وثوق





زندگینامه

تحصیل دادند. سپس دوره‌های تخصصی و فوق تخصصی خود را از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شدند. دکتر مینوش مقیمی دلیل عشق و علاقه‌ای که به رشته‌ی پزشکی داشتند از همان دوران دبیرستان با انتخاب رشته تجربی هدف پزشکی را دنبال می‌کردند. بعد از فارغ التحصیلی توانستند به آرزوی خود جامعه عمل پوشانده و در سن ۳۵ سالگی به عنوان متخصص آنکولوژی شروع به کار کردند. با علاقه‌ای که به زادگاه پدریشان زنجان داشتند و موجب عدم وجود متخصص آنکولوژی، فعالیت در این شهر را برگزیدند. بدین منظور کارشان را با مداوای یک بیمار نوجوان از بیمارستان ولیعصر شروع کردند. با توجه به اینکه بیماران مبتلا به سرطان در زنجان اکثریت از قشر ضعیف جامعه بودند و نیز افرادی که از لحاظ مالی وضعیت بهتری

داشتند برای درمان بطور معمول به تهران مراجعه می‌کردند، لذا کار در چنین محیطی که مردم اعتمادی به آن نداشتند کمی سخت و نیازمند همکاری مسئولین بیمارستان و حمایت آنان بود که به گفته دکتر مقیمی در ابتدای مسیر، آقای دکتر خانی در این راستا همکاری مستمر با ایشان انجام دادند و در بخش داخلی بیمارستان ولیعصر قسمتی را برای آنکولوژی اختصاص دادند. پس از شروع فعالیت درمانگاه آنکولوژی، دکتر مقیمی توانست با عملکرد قابل قبول و پیشرفت در روند درمان بیماران، اعتماد دیگر بیماران را نیز به خود جلب کند.

به یقین نام دکتر مینوش مقیمی جزو نام‌هایی ماندگار و فراموش نشدنی‌ست، کسی که توانست بزرگترین خدمت را به همشهریان و هموطنان خود انجام دهد. خدمات و بزرگترین یادگاری او مهرانه، هرگز از خاطره‌ها نخواهد رفت. امید است مهرانه بتواند ادامه دهنده راهش و موجب شادی و امید بیماران گردد. مهاجرت دکتر مقیمی همه ما را ناراحت و غمگین کرد و عدم حضور و بهره‌مندی از چنین گوهر گرانبها برای کشور عزیزمان ایران واقعا سخت و دشوار است. مهرانه برای ایشان در هر کجای جهان که هستند آرزوی موفقیت، طول عمر و شادمانی داشته و دعای خیر همه بیماران بدرقه راهشان خواهد بود.

خلاصه‌ای از زندگی نامه ایشان:



دکتر مینوش مقیمی فرزند مینو هندسی و اسماعیل مقیمی در سال ۱۳۴۸ در کرمانشاه چشم به جهان گشودند. مرحوم پدرشان متولد ۱۳۱۹ از شهر زنجان بودند که تا سال اول متوسطه در دبیرستان امام خمینی فعلی درس خواندند و سپس به تهران عزیمت نموده و پس از دریافت دیپلم وارد دانشکده علوم شدند. پس از پایان تحصیلات به عنوان دبیر در دبیرستان‌های اسلام آباد غرب و کرمانشاه مشغول به کار و در سال ۱۳۴۶ ازدواج کردند. ثمره این ازدواج دختری به نام مینوش که دوران تحصیلی را تا دیپلم در کرمانشاه طی نموده و با قبولی در کنکور رشته پزشکی در شهرستان ارومیه ادامه



ساختمان سه طبقه واقع در ستارخان را به این امر اختصاص دهد، ولی با همه این امکانات هنوز رفتن به تهران برای خیلی از بیماران سخت و دشوار بود، لذا فکر آوردن رادیوتراپی به زنجان در انجمن بررسی شد و با انجام جلسات متعدد توانستند خیری را پیدا کنند که پول زمین کلینیک را به مهرانه اهدا کند و همین امر، نقطه آغازی شد در تأسیس کلینیک بزرگ مهرانه که در مدت ۵ سال این کلینیک تأسیس و آماده بهره‌برداری گردید.

اعتماد مردم به مهرانه

با افتتاح بخش رادیوتراپی، مهرانه جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد و همین سبب مطرح شدن در کشور شد. از مهمترین دلایل جلب کمک‌های مردمی، اعتماد سازی و شفاف‌سازی در مهرانه بود که توانست مهرانه را به جایی که الان هست برساند. هدف بلندمدت کلینیک مهرانه پیشگیری، امداد و درمان، با بالاترین تخصص به بیماران می‌باشد. امید است شاهد رشد روزافزون این مجموعه باشیم.

چند کلامی با خانم دکتر مقیمی از مهرانه چه درسی گرفتید؟

دکتر مینوش مقیمی به خبرنگار مهرانه در پاسخ این سوال فرمودند: یاد گرفتم که آدم‌ها و جامعه را بهتر بشناسم. من بارها اینجا افرادی را دیدم که شبیه آنچه که می‌گفتند نبودند و در واقع، پای کار می‌شود افراد مدعی را از افراد کار بلد و کاری تشخیص داد. بعضی افراد که می‌آمدند دو تا انگیزه مهم داشتند، پول و قدرت. وقتی می‌دیدند که اینجا به هیچکدام نمی‌رسند، می‌رفتند. علاوه بر این، تجربه مهم من کار گروهی بود که به دست آوردم. محقق شدن این مسئله در کشور ما سخت است اما در مهرانه ممکن شد.

هدف از تأسیس مهرانه در زنجان

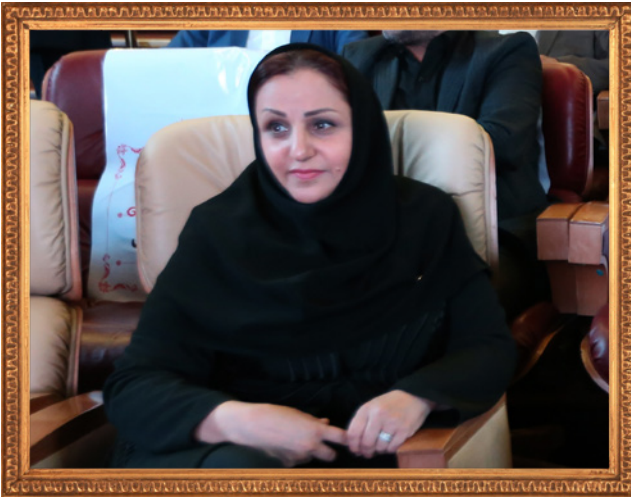
خانم دکتر مقیمی در مورد چگونگی تأسیس مهرانه فرمودند: با توجه به محدودیت‌های موجود در سیستم دولتی، پیشرفت در این زمینه تخصصی و کمک به بیماران بیش از این میسر نبود، لذا فکر تأسیس مجموعه‌ای که مختص این بیماران باشد تا بتواند تمامی نیازهای آنان را برآورده کند که دیگر نیازی به مراجعه به شهرهای دور نباشد. فلذا برای نیل به این هدف و کمک گرفتن از خیرین شهر رایزنی و تحقیق در این مورد آغاز شد.

همراه شدن مهندس اصغر وثوق با دکتر مقیمی تابستان ۱۳۸۵

با تحقیق و پرس و جو دکتر مینوش مقیمی توانستند با مهندس اصغر وثوق ارتباط پیدا کرده تا بتواند در تأسیس مهرانه کمک حالشان باشند که در همان جلسه اول آقای مهندس وثوق موافقت خود را اعلام کرده سپس طی جلسات متوالی توانستند نظر موافق افرادی بنام از جمله آقایان گرنامهیه، محرمی، جواهریان و دیگر معتمدین شهر را نیز در این امر خیر جلب و توانستند از این طریق خیرین بیشتری را برای این امر مهم ترغیب کنند. ابتدا این انجمن با نام (انجمن سرطانی‌های زنجان) شکل گرفت که بعدها با پیشنهاد آقای جواهریان، بنام انجمن خیریه مهرانه تغییر نام داد.

تأسیس کلینیک:

با توجه به اینکه بیماران در شهر زنجان برای رادیوتراپی در آن زمان به تهران مراجعه می‌کردند و داشتن مشکلاتی مانند: نبود محل اسکان و مشکلات مادی سبب گردید مسئولین انجمن به فکر تهیه محلی برای اسکان این عزیزان باشند که با تلاش گروهی توانستند با کمک دکتر تبیانی ۲ یا ۳ اتاق برای بیماران مهرانه اختصاص دهند. ولی با توجه به محدود بودن این مکان بعد از مدتی، مهرانه توانست اعتماد همگان را جلب کرده و



و کلام آخر...

دکتر مقیمی آنکولوژیست یکی از بنیانگذاران مهرانه در سال ۱۴۰۲ مهاجرت و ایران را به مقصد کانادا ترک کردند. خانم دکتر مقیمی فرشته ای بودند که براستی بیماران او را نجات دهنده و یک امیدآور مهربان می دیدند که با عشق و علاقه و محبت و آفری که به بیماران داشتند، خود را در دل بیماران و مردم شهر جا داده بودند. من خود پدری داشتم که مدت ۱۰ سال بیمار ایشان بودند به عنوان کسی که هر ماه با ایشان ملاقات داشتم باید صادقانه بگویم، هرگز پزشکی چنین مهربان، دلسوز و خوش برخورد ندیده ام. در طول دوره درمان با پدرم همانند پدر خود در کمال مهربانی صحبت و با حوصله و اخلاق نیکو امید را در دلمان افزایش می دادند. هر بار با چهره خندان او مواجه می شدیم، با وجود کار زیاد و سخت هیچوقت ایشان را ناراحت نمی دیدیم، با شادی بیمار شاد می شدند، هرگز به دنبال مقام و پول و قدرت نبودند. تمام عشق ایشان کمک به بیماران و دادن امید به اطرافیان بود. من انسانیت را در وجود ایشان دیدم که انگیزه ای برای ورودم به مهرانه شد، تا شاید بتوانم قطره ای کوچک در پایداری مهرانه باشم. یاد و نام خانم دکتر مینوش مقیمی از یاد هیچ زنجانی نخواهد رفت، کودک و پسر و جوان او را و خدمات ارزشمند و یادگار گرانبهایش «مهرانه» را هرگز فراموش نخواهند کرد. همواره دعای خیر مردم همراهشان خواهد بود. در هر کجای گیتی که باشند ایشان تکرار نشدنی هستند.

صبر بسیار باید پدر پیر فلک را
که دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید

آیا کار نکرده دارید؟

در پاسخ به این سؤال دکتر مقیمی فرمودند: یکی از مواردی که به آن فکر می کنیم این هست که وقتی به ۵۰ سالگی می رسیم حتما باید یک یا چند مهارت داشته باشیم حال آن مهارت می تواند هنری باشد یا ورزشی، یا هر زمینه دیگری چون وقتی سن و سال زیاد می شود انسان خیلی از توانایی هایش را از دست می دهد، لذا با آن مهارت و هنر می تواند خودش را مشغول نگه دارد و یکی از کارهایی که در زندگی نکرده ام به دست آوردن این مهارت هاست و یکی دیگر از دغدغه هایی که دارم این است که تمام تلاشم را برای جذب نیروهای فوق تخصص بکار بگیرم تا نیروهای مورد نیاز کلینیک تکمیل شود که تا اگر روزی نبودم کاری کرده باشم که این بستر پایدار بماند.

آیا می تواند هر شخصی تجربیات شما را درک کند؟

دکتر مقیمی پاسخ دادند: باید خودتان ببینید و حس کنید اینکه من فلان کار را کردم و موفق شدم و دیگران هم می توانند کاملاً غیر ممکن است که با یک مسیر واحد همه به موفقیت برسند چون راه هر انسانی متفاوت از راه دیگری است ولی یکسری مسائل کلی مثل زندگی کردن در حال، انرژی، شکرگزاری، کلام خوب، کم کردن وابستگی ها و هستند که این نگرش ها ثابتند و یکی از کارهایی که خیلی کمک می کند نوشتن است، دوست دارم نوشته ای از خود داشته باشم که بتوانم برای بچه هایم از خود بگذارم.

سخنی با بیماران

فقط می خواهیم بگویم که زندگی را باید حس کرد و شاد بود با همه سختی ها، سختی را باید رد کنیم، بگذاریم رد بشوند. و از دور به آن نگاه کنیم و از آنها درس بگیریم و یک پله بالاتر برویم. ممکنه این پله ها ناصاف باشند و حتی ماریپیچ، و شاید هم بیفتیم ولی دوباره باید بلند شویم و ادامه دهیم و زندگی کنیم. اگر مبتلا به سرطان باشم، دوست دارم تا آخرش زندگی کنم.



چند کلامی از زبان همیار همیشگی دکتر مینوش مقیمی

با نام خداوند خوبی و مهربانی
بانوی گرمی سرکار علیه خانم دکتر عباسپور در خصوص خانم
دکتر مقیمی اظهار فرمودند:

از من خواسته شد که به عنوان فردی که از نزدیک خانم دکتر
مینوش مقیمی را می‌شناسم در خصوص ایشان چند جمله‌ای را
بیان کنم. باید عرض کنم که زبان قاصر است از گفتن خوبی‌های
ایشان، نه من بلکه هر شخصی که یک بار ایشان را دیده باشند
در می‌یابند که چه انسان مهربان و والامقامی هستند و خداوند
هر چه خوبی و نیکی و عشق در دنیا است در وجود ایشان
قرار داده، فرشته‌ای هستند که از ماورای آسمان‌ها خداوند
برای ما زمینی‌ها فرستاده، تا عشق و مهربانی و زیبایی را جاری
و ساری کنند.

ما می‌دانیم که بیماری سرطان آلام بسیاری را برای بیمار و
خانواده اش ایجاد می‌کند. خانم دکتر مقیمی بزرگوار، اولین
پزشک انکولوژیست بودند که به زنجان قدم نهادند. از
ابتدا دغدغه ایشان کسب در آمد نبود بلکه کم کردن آلام
و سختی‌های بیماری، برای بیمار و خانواده‌اش بود، ایشان
صادقانه و خالصانه گام بزرگی برای رسیدن به این مقصود
برداشتند. مهر، عشق و محبت ایشان به یارانشان و به هر
کسی پوشیده نیست. چه روزهایی که با گریه بیماران دور از

چشم آنها گریستند، اما همیشه با لبخندی بر لب که خاص
خودشان بود به بیماران و همراهانشان فقط امید دادند و امید
و امید

بارها شاهد بودم وقتی بر بالین بیماران خود حاضر می‌شدند
آنها چقدر شاد می‌شدند. درد و بیماریشان از یادشان می‌رفت،
با بیان جملاتی پر از عشق و مهربانی که مزاح، چاشنی
همیشگی صحبت‌های زیبایشان بود فقط امید می‌دادند و
بیمار وقتی ایشان را می‌دید انگار که تمام درهای بهشت به
رویش باز شده است. انگار خود خدا آمده بود پایین و او را
نوازش می‌کرد. من به شخصه هر لحظه بودن در کنار خانم
دکتر بزرگوار برایم تجربه‌های جدیدی را رقم زد و درس‌های
بسیاری از صبر، ایمان و توکل به خالق هستی، عشق ورزیدن
به بیماران و بی توقع مهربان بودن را یاد گرفتم. در یک جمله
می‌توان ایشان را مظهر عشق الهی و امید و مهربانی و پاک
قلبی و خلوص نیت نامید. همواره استوار در راهی که انتخاب
کردند، قدم برداشتند، بدون اینکه مشکلات سر راه ایشان را
ناامید کند. مصداق کامل این جمله که یا راهی خواهم یافت
یا راهی خواهم ساخت.

با سپاس

دکتر زهرا عباسپور





به نام خداوند جان و خرد

سپاس نامه

مهر بانوی عالی مقام سرکار علیہ خانم دکتر مینوش مقیمی
ریاست محترم هیئت مدیره انجمن خیریه مهرانه
پزشک بی بدیل، آنگاه که دردمندی، سلامتی و تندرستی خود را بازمی یابد و
دستی به نشان سپاس به آسمان بلندی شود ملائک تورا می ستایند.
آرزو مندیم ستاره زندگی و اختر دانش تان پیوسته ایام بردل بیماران بتابد و پیوسته
دعای بندگان بدرقه راه شما باشد.
بانوی بزرگوار و بافضیلت:

وجودتان مرهم خستگی ها و آرامبخش بیماران است و شور شیرین خاطرات
تلاش های شما همواره در گوشه گوشه ایران زمین به یادگار خواهد ماند و این باقیات
و صالحات چون چراغی فراروی زندگی آیند و فردای شما خواهد بود.
برایتان از محض دادار حق همواره تندرستی، ثروت و شادی آرزو مندیم.

از طرف خانواده مهرانه

بیماران مبتلا به سرطان مهرانه

www.MehranehCharity.com



انجمن خیریه حمایت از

@MehranehCharity

مدیر مسئول:

دکتر کمال ناصری

سر دبیر:

مهناز صنعتکار

گردآورندگان:

مریم جعفری، لادن ورعی یگانه، مهدی ذبیحیان، ابوالفضل زاهدی

عکس:

آرشیو کمیته سمعی و بصری مهرانه